

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز  
۰۱ سپتمبر ۲۰۱۷

## طرح ترمپ و افغانستان: تجاوز و اشغال ادامه می یابد

۵

بعد از ماه ها انتظار، "دونالد ترمپ" رئیس جمهور امریکا بالاخره طرح خود را به ارتباط بحران افغانستان به مردم امریکا و جهان به تاریخ ۲۱ اگست ارائه کرد. در این طرح چیز نوی به مشاهده نمی رسد که متفاوت از روش دو اداره قبلی بوش و اوباما باشد. صرف با معکوس ساختن و یا پس و پیش کردن کلمات، "ترمپ" خواست که بیانیۀ خود را در مورد افغانستان شکل دوکتورین بدهد که در آینده به اسم "دوکتورین ترمپ" نامیده شود. در واقعیت، گفتار "ترمپ" نه دوکتورین است و نه تیوری، بلکه جا به جا ساختن جملات و کلمات متحد المال است که خواست آن را در خورد مردم بدهد. این طرح بیشتر برای مصرف داخلی آماده شده است. ترمپ سخت در زیر فشار است که به مشکل می تواند خود را از آن رهائی بخشد. مداخلۀ روسیه در انتخابات سال ۲۰۱۶ که منجر به پیروزی وی گردید، کانگرس و محافل سیاسی امریکا را وادار ساخته است که در این خصوص تحقیقاتی انجام دهند که اعضای فامیل "ترمپ" را هم در بر می گیرد. این حالت ماه ها طول خواهد کشید و "ترمپ" ابر های سیاه را در افق حیات سیاسی خود مشاهده می کند. همچنان تشنج در داخل قصر سفید در خصوص سیاست خارجی و کودتای متداوم نظامیان علیه وی، "ترمپ" را وادار ساخت که طرح خود را در مورد افغانستان طوری عیار سازد که مطابق ذوق نظامیان باشد.

در جریان مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۶، "ترمپ" همیشه از دیر ماندن امریکا در افغانستان، مصارف هنگفت پول و از دست دادن حیات بیش از دو هزار عسکر در کارزار افغانستان انتقاد می کرد و می گفت که "اگر او انتخاب شود، عساکر امریکا را از افغانستان خارج خواهد ساخت". چه شد که "ترمپ" به یک بارگی به تمام تعهدات خود پشت پا زد و مانند "بوش" و "اوباما" به ادامه جنگ و اشغال افغانستان وعده داد. "ترمپ" در بیانیۀ خود گفت که تمام جوانب بحران افغانستان را از نظر گذشتانده و با مشاوران نظامی و سیاسی صحبت هائی داشته است. تحلیلگران حوادث سیاسی منطقه معتقدند که "ترمپ" هنوز هم کمترین آگاهی در مسایل افغانستان و منطقه ندارد. مشکلات "ترمپ" از تقابل دو جناح سیاسی و نظامی در قصر سفید سرچشمه می گیرد: جناح سیاسی که او را به قدرت رساند، حامی خروج امریکا از افغانستان و سایر نقاط بحرانی جهان است تا امریکا فرصت پیدا نماید خود را در داخل سروسامان دهد، طوری که ترمپ هم در جریان مبارزات انتخاباتی به حامیان خود وعده کرده بود. جناح نظامی که همه قدرت را در قصر سفید و وزارت دفاع در دست گرفته اند، پشتیبان ادامه جنگ در افغانستان است که سال های دیگر طول خواهد

کشید. این جناح با صنایع صنعتی نظامی در یک صف واحد قرار دارند و با هرگونه توقف ماجراجویی امریکا در بیرون از کشور مخالفت می ورزند. جناح نظامی در قصر سفید بر حریف سیاسی خود غلبه حاصل کرد که به موجب آن یک عده از مشاوران ملکی "ترمپ" در چند ماه اخیر از صحنه خارج گردیدند. بر مبنای پیشنهاد نظامیان، ترمپ سه اصل را در بیانیه خود گنجانید:

اول، ملت ما باید در جست و جوی یک نتیجه قابل افتخار و پایدار بوده که ارزش قربانی ها عظیمی خصوصاً قربانی های حیات را داشته باشد. مردان و زنانی که در جنگ به ملت ما خدمت می کنند، سزاوار پیروزی هستند. آنها مستحق ابزار هائی هستند که نیاز دارند و اعتمادی که به دست آورده اند تا بجنگند و پیروز شوند.

دوم، عواقب خروج سریع هم قابل پیش بینی و هم غیر قابل پذیرش است. سپتمبر ۱۱، بدترین حادثه تروریستی در تاریخ کشور ما بود که در افغانستان طرح ریزی شده و از آنجا رهبری گردید، زیرا در این کشور نظامی حکمفرمایی داشت که به تروریست ها پناه داده بود. خروج سریع خلانی را ایجاد خواهد کرد که تروریست ها به شمول داعش و القاعده آن را فوراً پر خواهند نمود، طوری که قبل از سپتمبر ۱۱ اتفاق افتاد. طوری که می دانیم، در ۲۰۱۱، امریکا به سرعت و روی اشتباه از عراق خارج شد. در نتیجه، دست آورد های دشوار ما در دست دشمنان تروریست افتاد. عساکر ما مشاهده کردند در شهر هائی که به مشکل جنگیدند و آزاد ساخته بودند، توسط تروریست های داعش اشغال گردید. خلانی را که بعد از ترک آنی خلق کردیم، به داعش این فرصت را داد که رشد کند، توسعه یابد و حملات را آغاز نماید. ما اشتباه عراق را در افغانستان تکرار کرده نمی توانیم.

سوم و در نهایت، من به این نتیجه رسیدم تهدیدات امنیتی که ما در افغانستان و منطقه وسیع تری به آن مواجه هستیم، بسیار زیاد است. امروز، ۲۰ سازمان تروریستی خارجی که توسط امریکا مشخص شده اند، در افغانستان و پاکستان فعالیت داشته که بیشترین تمرکز در منطقه و جهان را دارند. به نوبه خود، پاکستان به نمایندگان هرج و مرج، خشونت و ترور پناه گاه های امن داده است. تهدید اینجا بدتر است، زیرا پاکستان و هند دو دولت مسلح اتومی اند که روابط متشنج شان تهدیدی برای برخورد نظامی خواهد بود که احتمال دارد اتفاق بیفتد. هیچ کسی انکار کرده نمی تواند که ما یک وضعیت دشوار و پر مخاطره را در افغانستان و جنوب آسیا به ارث برده ایم، لکن ما فرصت تحمل بازگشت را در این زمان نداریم که به عقب برگردیم و تفاوتی خلق نموده و یا تصمیم بهتر بگیریم. وقتی که من رئیس جمهور شدم، معضلات بد و بغرنج به من داده شد، اما کاملاً می دانم که در چه داخل هستم: مشکلات بزرگ و پیچیده. لکن به یک نحوی، این مشکلات حل خواهد شد. من حل کننده مشکلم و در نهایت پیروز خواهم شد.

از متون بالا آشکار می شود که اداره ترمپ سخت در درماندگی و ذلت قرار دارد. علی رغم گفتار های قبلی اش که امریکا باید از افغانستان خارج شود، اکنون در زیر سُم نظامیان سر اطاعت را خم کرده است. گفتار ترمپ بدون تردید جنگ را در افغانستان توسعه خواهد داد و کشتار را وسعت خواهد بخشید. این همان تاکتیکی است که مهاجران سفید حین آمدن به قاره جدید در حق سرخ پوستان روا داشتند و در نتیجه بیش از ۱۴ میلیون آنها را قتل عام کردند. روش قرن ۲۰ و ۲۱ امریکا در توسعه طلبی مانند سالیان اولیه مهاجران سفید به امریکا است که در جست و جوی طلا و ثروت بودند و هیچ گونه مانعی را در شیوه توسعه طلبی خود نمی پذیرفتند.

تهدید پاکستان تازگی ندارد. این تهدید نه به خاطر افغانستان، بلکه به منظور نزدیکی پاکستان با روسیه و چین است. پاکستان به خریداری طیارات جنگنده سو ۳۵ از روسیه اقدام کرده است. این طیارات قابلیت مانور بیشتر را نسبت به طیارات اف ۱۶ دارند که امریکا از ارسال تعداد زیاد آن به پاکستان خود داری ورزید. پاکستان همچنان پروژه تولید مشترک طیارات جنگنده رعد جی اف ۱۷ را با چین به راه انداخته است. این طیارات هم از زمره بهترین در جهان

است که با طیارات اف ۱۶ و اف ۱۵ رقابت می کند و در هر دو کشور تولید می شود. اگر پاکستان قادر گردد که به تعداد زیاد جی اف ۱۷ تولید نماید، دیگر نیازی به تکنالوژی امریکا نخواهد داشت. ناگفته نباید گذاشت که پاکستان در طرح کوریدور "یک کمر بند و یک جاده" چین شامل است که با تکمیل آن وضع اقتصادی و اجتماعی کشور های منطقه از ریشه تغییر می کند. پاکستان یک عضو عمده این طرح است، خصوصاً این که یک طرح ۴۵ بلیونی دیگری که در پاکستان ختم می شود و باعث انکشاف بندر گوادر در ناحیه بلوچستان می گردد، هم روی دست است. روی همین دلایل است که امریکا بر پاکستان عصبانیت می کند و تروریسم را بهانه می گیرد. امریکا خوب می داند که پاکستان بیش از ۴۰ سال است که در امور افغانستان مداخله نموده و تروریسم را پرورش می دهد، اما خم بر ابرو نیاورده است، زیرا منافع خودش در آن دخیل بوده است. بعد از پخش طرح "ترمپ"، دولت چین حمایت کامل خود را از پاکستان اعلام داشت و اظهار نمود که چین پاکستان را تنها نخواهد گذاشت.

"ترمپ" در صحبت خود از هند ستایش نمود و حمایت این کشور را از افغانستان ستود و تقاضا نمود که روابط ستراتیژیک امریکا و هند گسترش یابد. خطر اینجاست که "ترمپ" ناشیانه افغانستان را میدان رقابت دو دشمن دیرینه یعنی هند و پاکستان می سازد که بازنده آن اول افغانستان خواهد بود. افغانستان نباید قربانی رقابت و مداخله هیچ کشوری شود. افغانستان مصیبت زده توان این را ندارد که بتواند میدان جنگ قدرت های رقیب گردد. خسارات ناشی از جنگ نیابتی میان کشور ها در افغانستان، برای مردم ما بسیار مصیبت بار خواهد بود. افغانستان از قبل میدان رقابت میان ایران، پاکستان، عربستان سعودی، ترکیه و هند بوده است که مردم مظلوم ما بار ها تاوان چنین رقابت ها را پرداخته اند. حال اگر امریکا، رقابت بین هند و پاکستان را در افغانستان شدت می بخشد، عواقب بس ناگواری نه تنها برای کشور ما، بلکه برای منطقه خواهد داشت.

یکی از دلایل تداوم تجاوز امریکا و اشغال افغانستان، تاراج منابع طبیعی زیر زمینی افغانستان است که "ترمپ" بار ها به آن اشاره کرده است. "ترمپ" در جریان مبارزات انتخاباتی از موجودیت یورانیم و مواد نایاب زمین در افغانستان حرف زده که امریکا باید از آن استفاده نماید. اگر یکی از اهداف امریکا تاراج منابع طبیعی افغانستان باشد که هست، اشغال کشور ما سال ها طول خواهد کشید و جنگ وستیز دهه ها تداوم خواهد یافت. نظر به گزارش نیویارک تایمز مؤرخه ۱۷ جولای ۲۰۱۷، افغانستان به قیمت یک تریلیون دالر مواد معدنی دست نخورده دارد که امریکا به آن چشم دوخته است. هکذا، امریکا و سایر کشور های عضو ناتو از سالیان اول تجاوز تا کنون در تجارت و قاچاق مواد مخدره در افغانستان و بیرون از کشور دست داشته و ازین طریق پول گزافی را برای خود کمائی نموده و یک قسمت از مصارف نظامی خود را تمویل نموده اند. "ترمپ" راست می گوید که او تمام زوایای بحران افغانستان را از نظر گذشتانده که قاچاق مواد مخدره و به یغما بردن مواد معدنی افغانستان هم جزء همان زوایاست.

قابل یاد آوری است که نظر به عقاید یک عده از نویسندگان و صاحب نظران امریکا که مخالف گسترش و ادامه جنگ در افغانستان هستند، اداره "ترمپ" مخفیانه تصمیم خواهد گرفت که به تعداد حد اقل ۱۰۰ هزار اجیر را به افغانستان بفرستد تا اعمال کثیف و قتل و قتال را برای دولت امریکا انجام دهند. استخدام اجیران در محو "دشمن" در امریکا سابقه طولانی دارد. در جریان آمدن سفیدان به قاره جدید، اجیران در بدل جایزه به چنان کشتار سرخ پوستان دست زدند که ننگ تاریخ بشر نامیده می شود. این فرهنگ تا حال در امریکا باقی است و گاه گاهی از اجیران در بعضی نقاط جهان مانند عراق سوریه و افغانستان استفاده می شود. مؤسسات خصوصی امنیتی در واقعیت مانند همان اجیرانی اند که در سالیان اولیه یورش سفیدان، می کشتند و ویران می کردند. این بار دست این ظالمان و خون آشامان در خون مردم ما رنگین خواهد شد.

دولت مزدور و مستعمراتی کابل و سایر عمال اجانب در کشور، از طرح "ترمپ" حسن استقبال کردند و موقتاً نفس راحت کشیدند که می توانند چند صبحی دیگر در زنجیر غلامی حیات نکبتبار خود را سپری نمایند. طالبان با انتقاد ظاهری، از طرح ترمپ ابراز خرسندی نمودند و معتقدند که وجهه سیاه این گروه تاریک اندیش من حیث یگانه عنصر "مقاومت" در انظار افغان ها بلند خواهد رفت و سرانجام مورد پذیرش جامعه ما قرار خواهد گرفت. خلائی را که امریکا با تجاوزش به افغانستان خلق کرده، نصیب طالبان شده و به این گروه اعتبار بخشیده است. درین اواخر کتابی به ارتباط تاریخ امریکا از نظرگاه مردم بومی (سرخ پوستان) را مطالعه نمودم که یک پروگراف آن را به منظور حسن ختام اینجا نقل می نمایم:

**تداوم و استمرار بین تجاوز و اشغال ملل مستقل بومی ها برای تحت کنترل قرار دادن قاره شمال امریکا و به کار بردن عین تکتیک برای تحت کنترل قرار دادن جهان اساسی ترین عنصر در شناخت آینده امریکا در جهان است. قدرت نظامی این تداوم را تدارک می بیند.**

امریکا دقیقاً که در افغانستان و سایر نقاط جهان همان روش را در پیش گرفته است که مهاجران اولیه نژاد سفید در مقابل بومی ها (سرخ پوستان) در قاره امریکا به کار برده بودند. فرقی که بین مردم افغانستان و بومی های قاره امریکا موجود است، تاریخ مطول ضد استعماری مردم افغانستان است که در جهان نظیر ندارد. با اتکاء به منطق تاریخی و مبارزاتی مردم ما، امریکا مانند سایر جهان کشایان و متجاوزان، خواه بخواهد یا نخواهد سرانجام خاک ما را ترک خواهد گفت ولو که یک قرن دیگر هم اشغال کشور تداوم یابد.